

بررسی تطبیقی زمینه‌های بدعت؛ از نگاه قرآن و عهدین و راهکارهای
برون رفت از آن بر اساس قرآن و نهج البلاغه

حسین دشت‌بین* / علی حسین احتشامی** / سید حمید حسینی***
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

چکیده

بدعت و بدعت‌گذاری آفتی است که بسیاری از ادیان گریبانگیر این موضوع بوده‌اند. پرداختن به این مسأله که دین اسلام و رهبران الهی، چگونه به این موضوع پرداخته و توانسته‌اند خطرات اهل بدعت را برای مخاطبان خود ذکر کنند، مورد عنایت این مقاله بوده است. قرآن و نهج البلاغه که مجموعه مدونی از معارف الهی هستند، هر کدام به نوبه خود به بیان تشخیص بدعت‌ها پرداخته و راه‌های برون رفت از این موضوع را بیان نموده‌اند. در نهج البلاغه هم مولای متقیان بدعت را یکی از آفات مهم دینی و اجتماعی بر شمرده و آن تغییر احکام خدا بر طبق خواسته‌های دل و هوای نفس و بدعت‌گذاری در دین خداست. هدف این مقاله بررسی تطبیقی آسیب‌های راه یافته در نتیجه بدعت و راهکارهای برون رفت از آن در قرآن و نهج البلاغه بوده است. یافته‌های این تحقیق نشان داده است که اهل بیت (علیهم‌السلام) بعد از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که مبین اصلی بودند، مهم‌ترین مبینان قرآن هستند که با رفتار تبیینی خود در صدد هدایت اعتقادی مردم بودند. نتیجه بررسی‌های این تحقیق نشان داد که اصلی‌ترین معضل بدعت این است که باورهای مردم را تغییر داده، تا آن جا که می‌تواند مذهب جدیدی ایجاد نماید.

واژگان کلیدی

بدعت، شیطان، نهج البلاغه، قرآن، راهکارهای برون رفت.

*. دانشجوی دکترا، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد همدان، همدان. hosseindashtbin@gmail.com

** . استادیار علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران (نویسنده مسئول).

a.h.ehteshami.47@gmail.com

*** . استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. hoseinihamid@gmail.com

۱. مقدمه

از آنجا که دین با روان انسان‌ها سر و کار دارد، ثمرات و کارکردهای بسیاری برای انسان دارد که ادبیات زندگی صحیح را به انسان می‌آموزد و از هر گونه کجروی جلوگیری نموده و سعادت زندگی افراد در هر دو سرا را تامین می‌کند و از طرفی حفظ این سعادت به عنوان سرمایه نیاز به مراقبت دارد؛ لذا راه‌های مراقبت از سرمایه توسط خداوند به واسطه پیامبران علیهم‌السلام بیان شده است. شیطان که دشمن اصلی انسان است. همواره می‌کوشد وی را به انواع ارتکاب گناه؛ از جمله بدعت گذاری در دین بکشد و این امر به طور اخص در قرآن کریم در مورد توجه واقع شده است. خطر نفوذ شیطان در زندگی انسان تا آن جا مورد اهمیت واقع شده که شیطان به محض رانده شدن از بهشت قسم یاد می‌کند که همانا به عزت و جلال خودت سوگند که تمام انسان‌ها را گمراه خواهیم کرد. تمام انشعاب‌ها، اختلاف‌ها و انحرافات که در امت اسلامی به وجود آمده است، از ناحیه بدعت‌های شیطانی است. انواع بدعت‌ها در کلمات فقهای شیعه و اهل سنت آمده است که بدعت دو قسم است؛ بدعت حسنه و بدعت سیئه:

الف) اگر بدعت را به معنای لغوی بگیریم یعنی کارنو و به شریعت هم نسبت ندهیم. این دو گونه است بدون آنکه به شرع نسبت دهیم؛ گاهی به ضرر انسان است که به آن بدعت سیئه می‌گوییم؛ مانند استفاده از بمب اتم. گاهی به نفع انسان است که آن را بدعت حسنه می‌نامیم. همانند ساختن دستگاه تهویه برای تولید گرما.

ب) اگر بدعت را از نظر شریعت در نظر بگیریم، بدعت فقط یک قسم است؛ یعنی بدعت حسنه نداریم، بلکه تمام بدعت‌ها سیئه و گناهان کبیره‌ای هستند که در حد شرک اند. بدعت در آیات و روایات از جمله مفاهیمی است که ریشه قرآنی دارد. آیات موجود در این زمینه دو دسته هستند: یک دسته از آیات به طور مستقیم و برخی دیگر به طور غیر مستقیم به بدعت اشاره می‌کند. آنچه در این مقاله مورد نظر است نظر به موضوع مقاله، اشاره به آیاتی است که بدعت مطرح شده در آن آیه، به صورتی بدعت گذاری و آن چه که مفهوم بدعت را همراه خود دارد، بیان می‌کند.

۱-۱. بیان مسأله

یکی از سنت‌های الهی امتحان است؛ بدین معنا که اراده خداوند بر این تعلق گرفته که بندگان را با روش‌های گوناگون بیازماید. خلقت شیطان هم خود وسیله‌ای برای آزمایش انسان‌ها است؛ زیرا انسان با توجه به معضل اغوای شیطان کوشش می‌کند با انواع مکر و حيله شیطان مبارزه نموده و با استعانت از خداوند، عقل و وحی الهی، در برابر انواع توطئه‌ها و برنامه‌های شیطان مقاومت نموده و شرافت خود را



در بین مخلوقات حفظ کند. چرایی این موضوع ذهنیت خیلی از افراد را درگیر کرده و به طور مداوم دنبال آن هستند که چرا شیطان خلق شد؟ به راستی اگر او خلق نمی‌شد، مردم از شر او در امان بودند و مواردی از این قبیل در این مقاله تلاش شده است که موضوع بدعت و زمینه‌های آن از منظر قرآن و مبینان دین از جمله حضرت علی (علیه السلام) هم چنین مصادیقی از بدعت‌های موجود در تاریخ را بیان و راه‌ای برون رفت، از این معضل اعتقادی را بیان کنیم.

۲-۱. پیشینه پژوهش و ضرورت تحقیق

در زمینه بدعت، اندیشمندان اسلامی مطالب قابل توجهی را تاکنون به رشته تحریر در آورده و این معضل اعتقادی را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند. در مقاله‌ای که به قلم آقای شرفخانی تحت عنوان بدعت‌گذاری در قرآن نگاشته شده، نویسنده محترم ضمن بیان تاثیرات زیان بار بدعت از آیات قرآن و روایات بهره جسته، لکن به نظر می‌رسد کمتر به ابعاد تفسیری بدعت توجه شده است؛ لذا تبیین هر چه بیشتر این موضوع بیش از پیش احساس می‌شود. از طرفی ضرورت‌ها ایجاب می‌کند بدانیم آن چه را که در دین نیست، از سر بدعت وارد نموده و پیامدش باورمندی به عقاید انحرافی و غلوآمیز است. پس ضرورت‌ها ایجاب می‌کند که در مقابل این پدیده، سنت‌های الهی هرچه بهتر مورد شناسایی قرار گرفته و عوام را در برابر معضلات اعتقادی یاری رساند

۲. بحث

۲-۱. واژه‌شناسی

بدعت: در لغت نامه دهخدا چنین می‌نویسد: «چیز نو پیدا و بی سابقه و آیین نو گفته شده است.» همچنین طریحی در مجمع البحرین می‌نویسد: «الْبِدْعَةُ بِالْكَسْرِ فَالسُّكُونُ، أَلْحَدَثُ فِي الدِّينِ وَ مَا لَيْسَ لَهُ أَصْلٌ فِي كِتَابٍ وَلَا سُنَّةٍ وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِدْعَةٍ لِأَنَّ قَائِلَهَا ابْتَدَعَهَا هُوَ فِي نَفْسِهِ». بدعت - به کسر و سکون - یعنی چیز نو و جدید در دین و چیزی که اصل آن در قرآن و روایت وجود نداشته باشد و تنها به این خاطر آن را بدعت نامیده‌اند که گوینده آن ابتدا و شروع کرده است به آن چیز (طریحی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۹۸). بدعت در اصطلاح: به معنای: «ادخال ماليس من الدين في الدين: داخل کردن چیزی در دین که از دین نبوده است. در نتیجه بدعت عبارت از: صدور حکم یا عملی به عنوان حکم شرعی و دینی بدون آن که آن‌ها حکم جزء شریعت بوده و یا از کتاب و سنت برای وقوع آن حجت و دلیل شرعی وجود داشته باشد.» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۶۶) همچنین در توضیح واژه شیطان علمای لغت آن را از

واژه «شطن» گرفته‌اند که به معنای دور شده است. ابن منظور در لسان العرب شیطان را از همین ریشه دانسته و در کتابش می‌نویسد: «شَطْنٌ عَنْهَا الشَّيْطَانُ الْعِيدُ.» (ابن منظور، ۱۴۱۹)

شیطان در اصطلاح اسم جنس است که به معنا و مفهوم عامی است که شامل هر موجود طغیانگر، متمرد و شروری می‌شود؛ خواه از طایفه جن باشد و خواه از طایفه انس باشد. واژه شیطان در قرآن ۸۸ بار آمده است. (شیخ‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۲) در تعریف اصطلاحی بدعت این نکته مورد توجه است که بدعت نوعی تصرف در دین از طریق افزودن یا کاستن شریعت است. بنابر این، تا آنجا که نوآوری ربطی به دین و شریعت نداشته باشد، بلکه به عنوان یک مسأله فرعی و عادی انجام گیرد، بهتر نخواهد بود؛ مثلاً اگر ملتی یک روز خاص را برای خود به عنوان روز جشن و شادی تعیین کند، اما نه به این قصد که شرع چنین دستوری داده است، چنین کاری بدعت نیست. هرچند منظور از عمر تازه و بی‌سابقه در دین است که با هیچ یک از قوانین و مقررات جزئی و کلی اسلام هماهنگی و سازگاری نداشته باشد.

۲-۲. نظرات شیعه و سنی در زمینه بدعت

روایات بسیاری در مجموعه‌های حدیثی اهل سنت، و شیعه وجود دارد مبنی بر اینکه بدعت گناهی بزرگ و حرامی آشکار است. مسلمانان باید از این کار پرهیز کنند در کتب اهل سنت چنین آمده است: «از امور تازه درست کردن در دین باید پرهیز کرد؛ زیرا هر بدعتی گمراهی است.» (عبدالباقی، ۱۹۵۲، ص ۱۶ و ۱۷) همچنین در کتب حدیثی شیعه به این موضوع اشاره شده است: «که هیچ بدعتی نهاده نشده مگر آنکه در کنار آن سنتی ترک شده است.» (حرعاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۶، ص ۱۷۵). از مقایسه این دو نتیجه می‌شود که در شریعت اسلام بدعت هر چه که باشد از نوع سیئه هست. چرا که بدعت در تقابل با سنت الهی است.

برنامه‌های شیطان

از آنجا که انجام هر کاری طرح و برنامه می‌خواهد در ساختار بدعت‌های شیطان این مسأله مورد غفلت واقع نشده و در اوج برنامه‌ریزی، اهداف پلید خود را در بین مردم ایجاد می‌کند. نویسنده کتاب هزار و یک نکته از قرآن، آیاتی را که اشارات خاصی به برنامه شیطان در آن‌ها شده چنین بیان می‌کند:

(الف) زینت دادن کارهای زشت (وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ؛ وشیطان عمل‌های آنان را برایشان

آراست.) (عنکبوت / ۳۸)

(ب) ایجاد ترس و وحشت (أَتِمَّاذِلِكُمْ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَائَهُ؛ در حقیقت این شیطان است که

دوستانش را می‌ترساند.) (آل عمران/ ۱۷۵)



ج. ایجاد کینه و دشمنی (أَتْمَأُرِدُ الشَّيْطَانَ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ: مسلماً شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه اندازد). (مائده/ ۹۱)
 ح. وعده فقر و تهیدستی (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ: شیطان شما را وعده فقر و تنگدستی می‌دهد).
 (بقره/ ۲۶۸)

ر. خلف وعده (وَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ). (ابراهیم/ ۲۲)

ز. نجوا (أَتْمَأُرِدُ الشَّيْطَانَ). (مجادله/ ۱۰)

و. تذبذب (أَنْ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ). (اسرا/ ۲۷)

ی. بازداشتن از یاد خداوند (وَأَمَّا نَسِيْنَكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعُدُّ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (انعام/ ۶۸)
 (دهقان، ۱۳۷۹، ص ۵۴۹).

برنامه‌هایی که شیطان تدارک دیده در برگیرنده صفات و انحرافات است که قبل از ارائه آن‌ها، در وجود کسی این موارد وجود نداشته و شیطان آن‌ها را در مخاطبانش به ودیعه نهاده و به مرور توانسته به اهداف از قبل برنامه‌ریزی شده خود دست یابد. از نگاه قرآن و معصومین علیهم‌السلام تنها روشی که تسلط شیطان را بر مخاطبانش تضمین می‌کند، غفلت می‌باشد؛ چرا که در این مورد همواره از غفلت به خداوند پناه می‌برند. (تَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْغَفْلَةِ) (کافی، ج ۲، ص ۵۸۶، حدیث ۲۴).

هنگامی که شیطان از بهشت رانده شد، قسم یادکرد که به عزت و جلال خودت سوگند که انسان‌ها را گمراه خواهم کرد، مگر آن که بندگانت خالص باشند؛ لذا در هر زمینه‌ای که به نظرش رسید، بدعت را پایه‌گذاری نمود. بدین صورت که دعوت ابتدایی از سوی شیطان بود، بعد از آن خود افراد در مسیر انحراف قرار می‌گرفتند. تاریخ انحراف اعتقادی بشر خود گویاست. بدعت از جمله مفاهیمی است که در قرآن وارد شده است، پس بجاست نمونه‌هایی از آیات را که مفهوم و اهداف بدعت در آن گنجانده شده را مورد بررسی قرار دهیم (وَرَهْبَانِيَةٌ ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ.....) (حدید/ ۲۷) آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه فوق معتقد است: مسیحیان آیین توحیدی مسیح را رعایت نکرده و آن را با انواع شرک آلودند، بلکه حق آن رهبانیتی را که خودشان ابداع کرده بودند، نیز رعایت نمودند و به نام زهد و رهبانیت، دام‌ها بر سر راه خلق خدا گسترده و دیرها را مرکز انواع فساد نموده و ناهنجاری‌ها در آیین مسیح علیه‌السلام به وجود آوردند. مطابق این تفسیر رهبانیت جزء دین مسیح نبود، بلکه پیروانش بعد از او آن را ابداع کردند و در آغاز چهره معتدل و ملایمی داشتند، اما بعداً به انحراف گرایید و سر از مفاسد بسیاری در آورد. (مکارم شیرازی،



۱۳۹۰) در ادامه ایشان معتقد اند که افراط و تفریط، خود از عوامل بدعت است که می‌تواند سنت حسنه را به سنت سیئه تبدیل کند. (ر.ک، همان)

۲-۳. بررسی نمونه‌های عینی بدعت

الف) در میان اهل کتاب؛

ب) پیش از اسلام؛

ج) در دوره پیامبر ﷺ؛

د) بعد از پیامبر ﷺ.

بدعت در میان اهل کتاب: یهود و نصارا بدعت‌های اعتقادی و عملی متعددی در دین خود پدید آوردند که قرآن کریم به برخی از آن‌ها اشاره کرده است:

الف) فرزند داشتن خداوند: نمونه این بدعت در آیه ۳۰ سوره توبه «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ... ذَالِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ» بیان شده است. به عقیده مفسران منشأ پیدایش این انحراف زمانی در میان یهود پدید آمد که آن حضرت تورات را پس از مفقود شدن دوباره گردآوری و احیا کرد.

ب) تثلیث و فرزند خدا دانستن عیسی (علیه السلام): مسیحیان پس از گذشت مدتی از غیبت حضرت عیسی (علیه السلام) از توحید روی گردان شده به تثلیث روی آوردند. این موضوع در سوره نسا آیه ۱۷۱ و نیز در سوره مائده آیه ۷۳ «وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً إِنَّهُمْ آخِرُ الْكُفْمِ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ» بیان شده است که مراد از ثلاثه عبارت از خدای پدر، خدای پسر و روح القدس است. همچنین عیسی (علیه السلام) را فرزند خداوند خواندند.

ج) محدود بودن زمان عذاب: از عقاید بدعت آمیز یهود آن بود که معتقد بودند خداوند آنان را جز مدتی محدود به آتش دوزخ کیفر نخواهد داد که این عقیده آنان از نظر قرآن باطل شمرده شده است.

د) تحریف تورات: از بدعت‌های عالمان یهود، تغییر و تحریف تورات است. آنان گاهی مطالبی را از جانب خود می‌نوشتند و به نام تورات در میان پیروانشان ترویج می‌کردند.

ه) تجویز خیانت در امانت: یهود خیانت کردن در مورد امانت اعراب و همکیشان خود را مباح دانسته و آن را حکمی الهی می‌شمردند. (آل عمران/ ۷۵)

و) تحریم برخی خوراکی‌ها: قرآن از حرام شمردن برخی از خوراکی‌ها از سوی یهود یاد کرده و آنرا افتراء به خداوند دانسته است. (آل عمران/ ۹۳ و ۹۴)

بدعت پیش از اسلام: بعضی از بدعت‌ها ریشه در برخورد آدابی که پیروان ادیان قبل از اسلام با موضوعات دینی داشته و قبل از اسلام در شبه جزیره عرب از اعراب جاهلی یاد می‌شود. بدون شک بررسی هر کدام از این موارد روزنه جدیدی را گشوده می‌کند که کمک شایانی به فهم بدعت‌های شیطانی در جهت انحراف مردم از توحید محسوب می‌شود. بت‌های‌های خانگی، بت‌های قبیله‌ای و بت‌های کوچک در میان اعراب جاهلی رواج داشت. در ابتدا هر شخصی برای خود بتی داشت و آن را در خانه خود نگهداری می‌کرد و در جنگ‌ها با خود می‌برد، که یک یا چند قبیله همگی آن‌ها را می‌پرستیدند و این بت‌ها بسیار بزرگ بود و در معابر نگهداری می‌شد. در مورد بت‌ها باید یادآور شد که اعراب تصمیم‌زندی و عبادت خود را صرف بت‌ها می‌کردند. بنابر این، همواره در عقیده دچار انحراف بودند. برای مثال در زمان حضرت ابراهیم پنج بت بود به اسامی: ود، سواع، یغوث، یعوق، نسر.

نمونه‌های بدعت در عصر پیامبر ﷺ: ۱- نهی از متعه حج؛ ۲- اقامه نماز تراویح به جماعت. در روایات چنین آمده که وقتی متعه حج شد و پیامبر اکرم ﷺ مردم را به آن فرمان داد. برخی از اصحاب از این امر شگفت زده شدند و از آن حضرت در این باره سوال کردند و رسول خدا ﷺ بار دیگر بر این امر تاکید کردند. بنابر این، آیه مخصوص به این مسأله است و تا زمان در گذشت پیامبر اکرم ﷺ و کامل شدن دین و تمام شدن نعمت نیز نسخ نشده است. منظور از متعه حج این است که انسان در ماه‌های حج بسته به انجام حج تمتع از میقات لباس احرام بپوشد و سپس به خانه خدا بیاید و طواف کند و پس از سعی بین صفا و مروه تقصیر نماید و از احرام در آید. آنگاه در همان سفر دو باره از مکه لباس احرام بپوشد و محرم شود، سپس به سوی عرفات و مشعر الحرام برود و اعمال حج را تا پایان به جای آورد با این اقدام، حج تمتع و عمره آن را انجام داده است. (البیاتی، ۱۳۹۰) بدعتی که خلیفه دوم در خصوص متعه حج بنانهاد، بدین مضمون روایت شده از جابر بن عبدالله گفت: ما کامیاب می‌شدیم از دو متعه در زمان پیامبر ﷺ، متعه حج و متعه زنان؛ پس عمر ما را نهی کرد. از آن پس آن را ترک کردیم. (حنبلی، ج ۳، ص ۳۵۶) در رابطه با دلیل تحریم از سوی عمر شخصی به نام عمران بن سواد نقل می‌کند با عمر نماز صبح خواندم، آنگاه بعد از نماز بیرون رفت و من با او رفتم. گفت حاجتی داری؟ گفتم پندی دارم! مسلمانان چهار چیز را بر تو عیب می‌گیرند. عمر در حالی که سر تازیانه را به چانه نهاده و ته آن را به دامن خویش گذاشت! گفت: بگو! گفتم می‌گویند متعه زنان را. رسول اکرم ﷺ با تشریح حج تمتع قدم دیگری در مبارزه با روش‌های دوران جاهلی برداشت و اعمال عمره را که قبل از اسلام انجام دادن آن در این سه ماه از بزرگترین گناهان شمرده می‌شد، جزء اعمالی قرار داد که مسلمانان در این سه ماه انجام بدهند. اما

عمر بدعتی را پایه نهاد که در دوران حکومتش از این نوع حج منع نموده و تهدید نمود که مخالفان را به مجازات شدید خواهد رساند؛ حال آنکه کسانی از اهل سنت بوده‌اند که با بدعت او مخالفت نمودند؛ به عنوان نمونه سعد بن ابی وقاص نظر عمر را نپذیرفت و همچنین ترمذی در سنن خود چنین می‌نگارد: «محمد بن عبدالله ابن حارث بن نوفل می‌گوید: سعد بن ابی وقاص و ضحاک بن قیس در باره متعه حج سخن می‌گفتند و ضحاک بن قیس گفت: هیچ شخصیتی جز آنکه به شرع و حدود خداوند جاهل است، این کار (متعه حج) را انجام نمی‌دهد. ضحاک گفت: عمر از این عمل منع کرده است. سعد پاسخ داد: پیامبر خدا ﷺ این عمل را انجام داده است و ما به پیروی از ایشان این عمل را انجام داده‌ایم. ترمذی پس از نقل این روایت می‌گوید سند این حدیث صحیح است. (سنن ترمذی، ج ۲، ص ۲۲۴، حدیث ۸۲۴) نماز تراویح یا خواندن نماز ماه رمضان به جماعت از بحث‌هایی است که عمر بن خطاب وارد اسلام کرده است. عبدالرحمان می‌گوید در شب ماه رمضان به مسجد رفتیم دیدیم که برخی به صورت انفرادی و برخی هم گروهی نماز را می‌خوانند. نظر من این است که اگر این‌ها را در یک جماعت قرار دهیم بهتر است. از این معنا تصمیم گرفت و او را معمول اقامه جماعت کرد. راوی می‌گوید: گویند سپس در شب دیگری به همراه عمر بیرون آمدم مردم را دیدند که به همراه یک شخص امام جماعت نماز می‌خواند و گفت این کار موجب خوبی است؛ سنتی که در زمان رسول خدا ﷺ نبود. (بخاری، ج ۳، ص ۴۵، متعلق محمد بن اسماعیل بخاری، محقق محمد نجات، ص ۴۲۲) ملاحظه می‌گردد که در زمان پیامبر ﷺ شیطنتهای بدعت هم وجود داشته است. قرار دادن احکامی که در زمره سیره و سنت رسول خدا ﷺ وجود نداشت و طبق حدیث شریف (حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يُحْيِي غَيْرُهُ وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بَدْعَهُ إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةً): حلال محمد همیشه تا روز قیامت حلالست، و حرامش تا روز قیامت حرام غیر حکم او حکمی نیست و جز او پیغمبری نیاید و علی بن ابی طالب فرمود: هیچ کس بدعتی ننهاد جز اینکه به سبب آن سنتی را ترک کرد. (کلینی، ۱۳۸۵) بدعت ایجاد گردید. همان فقری که شیطان وعده‌اش را داده، در افکار انسان‌ها به ودیعه گذاشت.

بدعت در عصر حاضر: در جامعه امروزی چیزهایی را که در جامعه مرسوم می‌شود و مردم آن را می‌سازند و به دین نسبت می‌دهند، تحت عنوان بدعت نام‌گذاری می‌شود و از آن جایی که بدعت در مقابل سنت وجود دارد و به فرموده پیامبر ﷺ بدترین امور، اموری است که در جامعه احداث شود و

بدانید که هر بدعتی ضلالت است و هر بدعت‌گذاری اهل جهنم است و تعبیری که حضرت در این زمینه به کار بردند، بر این مبنا بود که اهل بدعت سگ‌های جهنم هستند. (همانند ازدواج سفید)

نقش شیطان در ایجاد بدعت: تقابل حق و باطل در دنیا همیشه وجود داشته است و آن هنگامی که آدم ابوالبشر یا به عرصه حیات نهاد، در کنارش هم شیطانی وجود داشت که او را بفریبید. در این میان شیاطین در دو دسته جنی و انسی به عنوان بزرگترین تهدید، زندگانی اعتقادی او را مورد تخطئه داده‌اند. لازم به ذکر است که گمراه شدن توسط نفس و شیطان به صورت باطل محض نمایان نشده، بلکه با مخلوط شدن حق و باطل همراه است؛ به طوری که انسان جاهل را به اشتباه افکنده و به تدریج او را به طرف باطل کشانده و از جرگه حق دور می‌سازد. این طریق گمراهی که از آن به عنوان شبهه یاد می‌شود، در بیان معصوم (علیه السلام) از آن به عنوان پایه‌ها و ارکان کفر آورده شده است (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۰۷) و از طرفی تبعیت از شبهات باعث هلاکت تابعین آن می‌شود. شیطان در یکی از مناظره‌هایش با خداوند در سوره حجر بیان می‌کند: پروردگارا را به سبب آنچه که مرا گمراه ساختی، من هم در روی زمین حتماً برایشان می‌آرایم و همه را گمراه می‌کنم. سپس طرخی را اجرا نموده و در سوره مبارکه اعراف شیوه و جزئیات این طرح بیان شده است. در تفسیر آیه مذکور فخر رازی در تفسیر کبیر می‌نویسد: آن هنگام که شیطان سوگند خورد از چهار طرف در کمین انسان باشد تا او را متوقف یا منحرف کند، فرشتگان از روی دلسوزی گفتند: پروردگارا! این انسان چگونه رها خواهد شد؟ خداوند فرمود: دو راه از بالای سر و پایین باز است و هرگاه انسان دستی به دعا بردارد یا صورت بر خاک نهد، گناهان هفتاد ساله‌اش را می‌بخشم. (فخر رازی، ۱۳۶۰، ذیل آیه ۱۷ اعراف) همچنین امام باقر (علیه السلام) در تبیین ایجاد انحراف شیطان در زندگی اعتقادی و روزمره انسان چنین فرمود: ورود ابلیس بر انسان از پیش رو بدین شکل است که آخرت را برای انسان ساده و سبک جلوه می‌دهد و از پشت سر به این است که ثروت اندوزی و بخل و توجه به اولاد و ارث را تلقین می‌کند و از طرف راست با ایجاد شبهه دین را متزلزل و تباه می‌سازد و از طرف چپ، لذات و شهوات و منکرات را قالب می‌کند. (قمی، بی‌تا) در توضیح بیشتر این جهات و نقشه شیطان علامه طباطبایی ذیل آیه فوق می‌نویسند: مقصود از (مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ) حوادثی است که در زندگی برای آدمی پیش می‌آید، حوادثی که خوشایند و مطابق آمال و آرزوهای ناگوار و مایه کدورت عیش او است؛ چون ابلیس در هر دو حال کار خود را می‌کند و مراد از (خلق) اولاد و عقاب او است، چون انسان نسبت به آینده اولادش نیز آمال و آرزو دارد و در باره آن‌ها از پاره‌ای مکاره می‌اندیشد. آری انسان سعادت اولاد را در ابقا و سعادت خود می‌داند. از خوشبختی آنان خشنود و از ناراحتی‌شان مکدر و متالم می‌شود. انسان هر



چه از حلال و حرام دارد، همه را برای اولاد خود می‌خواهد تا بتواند آینده آن را تامین نموده و چه بسا خود را در این راه به هلاکت می‌اندازد. منظور از سمت راست که سمت مبارک و نیرومند آدمی است، سعادت و دین اوست و آمدن شیطان از سمت راست به این معنا است که وی آدمی را از راه دینداری بی‌دین می‌کند و او را در بعضی از امور دینی وادار به افراط نموده و چیزهایی که خداوند از او نخواستہ تکلیف می‌کند. این همان ضلالتی است که خداوند آن را (اتباع خطوات شیطان) نام نهاده است. منظور از سمت چپ بی‌دینی می‌باشد به این معنا که فحشا و منکرات را در نظر آدمی جلوه داده و وی را به ارتکاب معاصی و آلودگی به گناهان و پیروی هوای نفس و شهوت وادار می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۳۷، ذیل آیه ۱۷، سوره اعراف)

از جمله عقاید زشت اعراب جاهلی انکار معاد و قیامت بود. این مهم در سوره انعام آیه ۱۵۰ بیان شده است

نمونه آداب و رسوم اعراب جاهلی:

- ۱- سنت‌های زشت (نحل/ ۵۱)؛
- ۲- زنده به گور کردن، سوت زدن و کف زدن و برهنه شدن در طواف خانه خدا (انفال/ ۳۵)؛
- ۳- شرابخواری و فحشا (اعراف/ ۳۳)؛
- ۴- تجاوز، جنگ و خون‌ریزی (اسرا/ ۳۳)؛
- ۵- خرافات، تقلید کورکورانه (فتح/ ۲۶)؛
- ۶- فخر فروشی و امتیاز طبقاتی (حجرات/ ۱۲)؛
- ۷- خوردن خوک و گوشت مرده (بقره/ ۱۷۳)؛
- ۸- قمار و ربا خواری (مائده/ ۹۰)؛

۹- ازدواج‌ها و طلاق‌های گوناگون. (نسا/ ۱۹ و مجادله ۲ و ۳) (برگرفته از مقاله نگاهی به آداب و رسوم دوره جاهلیت از منظر قرآن مرتضی قاسمی پاییز ۱۳۹۲) در مسیحیت بدون شک عقلانی نبودن آموزه‌های مسیحیت کاتولیک نظیر تجسد، گناه ذاتی، سکولارشدن کلیسا، نحوه برخورد با ظالمان و... خود در شکل‌گیری بدعت در مسیحیت تاثیرگذار بوده است.

۲-۴. بدعت در یهودیت

آنچه که به عنوان صفات یهود، در قرآن از آن سخن رفته است؛ نظیر تدلیس و تزویر، کتمان حقیقت (الَّذِينَ أَخَذُوا مِيثَاقَ الْكِتَابِ)، تحریف‌گری متون دینی (فَمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ)، نشر اکاذیب

(وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانٌ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ)، قساوت قلب و عهد شکنی (ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبَكُمْ) و دنیا دوستی (وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ)، تماما انحراف اعتقادی می باشد که شیطان در اذهان پیروان خود به ودیعه نهاده تا در هر زمان بتواند هر باوری را تغییر داده، تا آنجا که از نظر اعتقادی، در پیروان یک دین از نظر اعتقادی در دین آنان تباهی ایجاد نموده و ضلالت و گمراهی را به آنان اهدا نماید.

۲-۵. مفاهیم بدعت در آیات قرآن کریم

بدعت عمدتاً تزویری است در خدمت زر و زور و بدعت گزاران ضلع پلیدی از مثلث شوم زور و زر و تزویرند و این سه در قرآن کریم دارای یک ریشه مشترک بوده و آن استکبار می باشد. استاد معادیخواه در کتاب بدعت و سنت در اشاره به این موضوع، مجموعه آیاتی از قرآن کریم را که در آن ها اشاراتی مستقیم و غیر مستقیم به بدعت شده است، را چنین طبقه بندی نموده است:

۱- بدعت سهمگین ترین خیانت، (آیه ۱۷۶ سوره بقره) در این آیه از سوره بقره نکوهش از کتمان حق مطرح است که بدعت گزاران به خاطر کسب مقام یا به دست آوردن ثروت آنچه را که خداوند از کتابش نازل کرده کتمان می کند. امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند: « ذَلِكَ الْعَذَابُ الَّذِي وَجَبَ عَلَى هَؤُلَاءِ بِأَثَامِهِمْ وَأَجْرَاهِمُ لِخَالْفَتِهِمْ لِأَمَانِهِمْ وَرَوَاهِمُ عَنْ مَوْلَاهُ سَيِّدِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله نَبِيِّهِ أَخِيهِ وَصَفِيهِ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ نَزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي تَوَعَّدَ فِيهِ مَنْ خَالَفَ الْمُحَقِّينَ وَجَانَبَ الصَّادِقِينَ وَسَرَعَ فِي طَاعَةِ الْفَاسِقِينَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ أَنْ مَا يُوعَدُونَ بِهِ يُضَيِّبُهُمْ وَلَا يُخْطِئُهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ فَلَمْ يُؤْمُوا بِهِ وَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّهُ سِحْرٌ وَبَعْضُهُمْ إِنَّهُ شِعْرٌ وَبَعْضُهُمْ إِنَّهُ كَهَانَةٌ لَنِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ مُخَالَفَهُ بَعِيَانٍ عَنِ الْحَقِّ كَانَ الْحَقُّ فِي شِقِّ وَهُمُ فِي شِقِّ غَيْرِهِ مُخَالَفُهُ. »؛ امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: عذابی که برای آن ها واجب شده است، به سبب گناهان و جرایم ایشان به خاطر مخالفت با امام و فاصله داشتن از دوستی با بهترین خلق خدا بعد از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و جانشین او بوده است. کتاب فرستاده و فاصله گیری آن ها را تهدید کرده و به کار آن را نازل می شود کیک هایی که به آن ها داده شده است با ان الله این حال خوب کسانی که در کتاب کس کردن و به آن ایمان ندارند بعضی گویا سحر بعضی معتقدند که و بعضی نیست آن ها را به کاهنان نسبت می دهند (لفی شقاق بعید) آن ها در مخالفت سختی با حق هستند؛ گویی حق در یک جهت قرار گرفته و آن ها در جهت مخالف (تفسیر اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۸۱۴).

۲- ریشه بدعت، (يُرِيدُونَ لِيُطْفَنُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَيْنَا أَنْ نُبِرَ نُورَ مَوْلَاكَرَّةَ الْكَافِرِينَ؛ همواره می‌خواهند نور خدا را با سخنان باطل خود خاموش کنند، ولی خدا جز این که نور خود را کامل کند، نمی‌خواهد.) (توبه/ ۳۲) در این آیه تلاش مذبحخانه و بی‌سرانجام یهود و نصارا و یا حتی همه مخالفان اسلام را با تشبیه جالبی بیان کرده که می‌گویند این‌ها می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خداوند اراده‌ای جز این ندارد که این نور الهی را هر زمان گسترده و کامل‌تر سازد تا همه جهان را فرا می‌گیرد و تمام جهانیان از آن پرتو می‌گیرند. هر چند که کافران را خوشایند نباشد

۳- زمینه‌های بدعت جاذبه زیور و زور (إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُجَلِّونَهُ عَمَّا وَجُرِّمُونَهُ عَمَّا لِيُؤْطِقُوا عِلْمَ اللَّهِ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنٌ لَهُمْ سَوْءَ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) (توبه/ ۳۷)؛ بدعتی که مشرکان در جایجا کردن و تأخیر ماه‌های حرام بنا نهادند و به فرموده قرآن کریم این عمل برایشان افزایش در کفر است. این عمل چنان بر ایشان زیبا جلوه داده شد، تا آنجا که ماه‌هایی را که خداوند تحریم کرده حلال بشمارند و زمینه‌ای برای انحراف آن‌ها فراهم شد.

۴- انحراف از خط اصیل دیانت و تعهد سوره مبارکه مائده آیه ۱۳ تا ۱۵، (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ...) نویسنده تفسیر انوار درخشان معتقد است که این آیات در سوره مبارکه مائده لجاجت و پیمان شکنی یهود را یادآوری می‌نماید که چگونه پروردگار آن‌ها را از رحمت خود رانده و از سعادت بی‌بهره نموده است. برای اینکه مسلمانان نیز عبرت و پند گیرند، آن‌ها نیز چنانچه از نظر خودستایی بعضی از احکام اسلام را تغییر داده و فرامین قرآن را تاویل نمایند و در اجتماعات تفرقه و تشتت ایجاد کنند، از مرز اسلام خارج گشته و از رحمت پروردگار بی‌بهره شده و از سعادت باز خواهند ماند. (همدانی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۳۷۹) همچنین علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه معتقد است که: در آیه بیان شده اشاره خاصی به حقایقی که اهل کتاب آن‌ها را پنهان کردند. حقایقی که در آن آیاتی از تورات و انجیل از آمدن خاتم الانبیا ﷺ و از نشانه‌ها و خصوصیات حضرت پیامبر ﷺ خبر داده و نیز آیاتی از تورات و انجیل که ملایان یهودی و نصارا را در لجبازی، در مقابل حق مضمون آن را از مردم پنهان کرده‌اند، شده است و از طرفی هر کدام از این دو کتاب مطالبی را در خود دارند که نمی‌توان به خدای تعالی نسبت داد؛ مثلاً در تورات خدا را جسم و نشسته در مکانش می‌داند و در انجیل هم خصوصاً، انجیل یوحنا مشتمل و عقایدی از وثنیت و بت پرستی است. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۳۹۸)

۵ - سلطه‌پذیری (توبه آیه ۳۱)

۶ - تعصب و امتیاز طلبی (آل عمران آیه ۲۴)

۷ - رفاه زدگی و جهادگریزی پیروان (بقره آیه ۵۹)

۸ - خرافه گویی (انعام آیات ۱۴۲ تا ۱۴۶) (وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَّرِينَ حَرَّمَ
أَمْ الْأُنثِيَّاتِ...). آیه در صدد بیان احکام خرافه مشرکان در زمینه زراعت و چهار پایان است. نکته اساسی در
این آیه، مساله عدم پیروی از خطوط شیطان است که او دشمنی است که از آغاز خلقت آدم به انسان
اعلان جنگ نمود؛ چرا که شیطان حامل احکام و مقررات بی دلیل است که صرفاً از پندارهای خام
وهوس و جهل و نادانی سرچشمه گرفته و شما را از حق دور کرده و به بیراهه سرگردان می‌کند)
۹ - شهوت پرستی (عنکبوت آیا ۲۸، ۲۹)

۱۰ - لفاظی و اصطلاح بافی بدعت‌گزاران (وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِخَسْبُوهُ مِنْ
الْكِتَابِ) (آل عمران ۷۸) نویسنده تفسیر نمونه اشاره آیه را به بخش‌هایی از خلاف کاری‌های علمای
اهل کتاب دانسته و اشاره آیات را به این این می‌داند که بعضی از آن‌ها زبان خود را به هنگام تلاوت کتاب
خدا چنان می‌گردانند و منحرف می‌کنند که گمان کنید آنچه را می‌خوانند از کتاب خدا است، در حالی که
از کتاب الهی نیست. در توضیح واژه «یلوون» چنین بیان شده که از ماده (لی) بر وزن (حی) به معنای
پیچیدن و کج کردن است و این تعبیر در اینجا کنایه جالبی از تحریف سخنان الهی است. گویا آن‌ها
هنگام تلاوت تورات، وقتی به صفات پیامبر اسلام ﷺ که بشارت ظهورش در آیات تورات آمده بود،
می‌رسیدند در همان حال آن را تغییر داده و چنان ماهرانه این عمل انجام می‌گرفت که شنونده گمان
می‌کرد آنچه را می‌شنود، متن آیات الهی است. آن‌ها به این کار نیز تنها قناعت نمی‌کردند، بلکه صریحاً
می‌گفتند: این از سوی خدا نازل شده در حالی که از سوی خدا نبود. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴؛ معادیخواه،
۱۳۹۶)

۲-۶. بدعت در نهج البلاغه

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۴۵ می‌فرماید: «هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود، مگر آنکه سنتی
ترک شود، پس از بدعت‌ها بپرهیزید و با راه راست و جاده آشکار حق باشید». واژه «مهیع» به معنای راه
گشاده است. گمراه کردن انسان توسط شیطان مظاهر بی‌شمار دارد که بدعت نمونه آن است و خود از
مصادیق انحراف اعتقادی است؛ چرا که بدعت در مقابل سنت است. در شرح این خطبه ابن میثم چنین

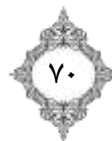
آورده: «این بخش از خطبه مشتمل است بر بیان لزوم ترک بدعت و برهان اینکه احداث آن مستلزم ترک سنت است؛ زیرا عدم احداث بدعت از سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد، چنان که فرموده است: «كُلُّ بِدْعَةٍ حَرَامٌ» یعنی هر بدعت و پدیده‌ی نو در دین حرام است؛ چرا که ایجاد بدعت مستلزم ترک سنت خواهد بود. پس از این امام علی علیه السلام دستور می‌دهد که از این کار بپرهیزید و راه روشن را در پیش گیرید. این همان طریق الهی و راه دین و شریعت است. منظور از عوام: امور یا سنت‌های کهنی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله جاری بوده و با امور قطعی و مسلم مورد اتفاق است نه پدیده‌هایی که مورد شک و شبهه می‌باشد. به اعتقاد ابن میثم توجیه نخست رجحان دارد؛ زیرا در مقابل آن محدثات (پدیده‌های نو) آمده است. این که فرمود: بدترین سنت‌ها بدعت است به خاطر آن است که شیوه‌های جدیدی که پدید می‌آید، مورد شک و شبهه و خارج از قانون شریعت و موجب هرج و مرج و پیدایش انواع شرور و بدی‌ها است و توفیق و از خداوند است. (شرح ابن میثم، ذیل خطبه ۱۴۵) همچنین مرحوم دشتی در شرح این خطبه با اشاره به قسمت معروف (ما احداث الا ترک بها سنت: هیچ بدعتی ایجاد نشد، مگر اینکه سنتی با آن متروک گشت) اشاره می‌کند که: «اگر ذوق و سلیقه‌های شخصی و استحسانات ظنی پایه و اساس نوآوری‌های دینی باشد، جز گمراهی و ضلالت و مسخ شدن چهره دین نتیجه‌ای نخواهد داشت». به اعتقاد ایشان در اسلام هر موضوعی حکمی دارد و هر بدعتی در تعارض با آن حکم الهی است، پس با ظهور بدعت‌ها احکام اصیل متروک می‌شود.

خطبه ۱: از آنجا که شیطان هنگامی که مورد لعن واقع شد قسم یاد کرد که انسان را از راه مستقیم الهی منحرف کند؛ لذا در هیچ لحظه‌ای از انحراف انسان دریغ نکرد. حضرت علی علیه السلام در مذمت کسانی که تبعیت شیطان را می‌کنند در خطبه ۷ می‌فرماید: «اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَاتَّخَذَهُمْ لَهُ أَشْرَكَاً، فَبَاضَ وَفَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَدَبَّ وَدَرَجَ فِي جُجُورِهِمْ، فَنَظَرَ بِأَعْيُنِهِمْ وَنَطَقَ بِأَلْسِنَتِهِمْ، فَركَبَ مِنْهُمُ الزَّلْزَلُ وَزَيْنَ لَهُمُ الخَطْلُ فَعَلَّ مَنْ قَدَّ شَرَكُهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ وَنَطَقَ بِالْبَاطِلِ عَلَى لِسَانِهِ»؛ این زشت سیرتان شیطان را ملاک و اساس کار خود قرار داده‌اند، او نیز آن‌ها را به عنوان دام‌های خویش برگزیده و به دنبال آن در سینه‌های آن‌ها تخم‌گذاری کرد؛ سپس آن‌ها را مبدل به جوجه نمود. این جوجه‌های شهیدان از درون سینه‌های آن‌ها خارج شده، در دامانشان حرکت کرد و پرورش یافت و کارشان به جایی رسید که شیطان با چشم آن‌ها را نگاه کرد و با زبانشان سخن گفت. آن‌ها را بر مرکب لغزش‌ها سوار کرد و سخنان فاسد و هزل و باطل را در نظرشان زینت بخشید و به این دلیل اعمال آن‌ها، اعمال کسی است که شیطان او را در سلطه‌ی خود شریک



ساخته و سخنان باطن را بر زبان او نهاده است. آیت الله مکارم شیرازی در کتاب پیام نهج البلاغه معتقد است که: « این خود در عین فشرده‌گی و کوتاهی، ترسیم دقیقی از پیروان شهیدان و چگونگی نفوذ او در آن‌ها و سپس آثار و پیامدهای مرگبار آن را نشان می‌دهد و توضیح می‌دهد از چه راه شیطان می‌تواند در پیروان خود نفوذ کند. ایشان نفوذ شیطان را در پیروان خود در این خطبه در چند مرحله دقیقاً بیان می‌کند. نخستین مرحله حقیقت این است که نفوذ شیطان در وجود هر انسانی اختیاری است و اجباری این انسان‌ها هستند که به او شیطان چراغ سبز نشان می‌دهند و جواز را ملاک و اساس کار خود قرار داده‌اند (اتَّخَذُوا الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً) ملاکا از ماده «ملک» به معنای اساس و پایه هر چیزی است که حضرت اشاره به نزدیکی ارایه معروفی که در آن شیطان به صراحت اعلام می‌کند که بر مؤمنانی که توکل بر پروردگارشان دارند هیچ گونه تسلطی ندارد. در مرحله دوم در قبال انتخاب گمراهی از سوی افراد شیطان نیز متقابلاً انتخاب می‌کند و آن اینکه آن‌ها را به عنوان دام‌ها و یا شریک آن پیش برگزیده است. مصداق این مرحله عبارت (ودب ودرج فی حجورهم) است. بعضی از شارحان نهج البلاغه تصریح کرده‌اند که «دب» از «دیب» به معنای حرکت ضعیف و درجه حرکتی قوی‌تر از آن است که شبیه به حرکت‌های مختصر کودکان در دامن مادر و آغوش پدر است. تعبیر به درجه ممکن است به این حقیقت نیز باشد که پرورش افکار و کوه‌های شیطانی در انسان به صورت ناگهانی نیست، بلکه به طور تدریجی صورت می‌گیرد. در عبارت قرآنی از این مرحله به عنوان خطوات شیطان گام‌های شیطان تعویض شده است. مرحله سوم به بیان مکان نعوذ و خطرناک پرداخته و می‌فرماید کارشان به جایی رسید که شیطان با چشم آن‌ها نگاه کرد و با زبانش سخن گفت. در چهارمین مرحله به نتیجه نهایی این سیر انحرافی پرداخته و می‌فرماید: هنگامی که کار به اینجا رسید شیطان آن‌ها را بر مرکب لغزش‌ها و گناهان سوار کرد. در پنجمین مرحله می‌فرماید اعمال آن‌ها کسی است که شیطان او را در سلطه خود شریک ساخته و سخنان باطل را بر زبان او نهاده است. حضرت علی (علیه السلام) در این خطبه ارتباط خوبی را بین مراحل نفوذ شیطان بیان نموده و اوصاف کسانی که مرحله به مرحله دچار بدعت می‌شوند را بر می‌شمارند.

شبهه: از پایه‌های بدعت در دین توسط شیطان ایجاد شبهه است. از آنجا که مظهر کفر شیطان است و تزلزل اعتقادی را در برنامه‌های خود به همراه دارد. علی (علیه السلام) در حکمت نهج البلاغه به این موضوع اشاره اساسی دارد، آنجا که می‌فرماید: « الشُّبُهَةُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: إِحْبَابُ بِالرَّيْبَةِ، وَتَسْوِيلُ النَّفْسِ، وَتَأْوِيلُ الْعَوَجِ، وَبَسُّ الْحَقِّ بِالْبَاطِلِ. » (کلینی، ۱۳۸۵، جلد ۱، ص ۲۹۳، حدیث ۲) شبهه چهار شاخه دارد:



۱- دل باختن در برابر آراستگی؛

۲- وسوسه نفس؛

۳- توجیه کردن کجی‌ها؛

۴- آمیختن حق به باطل.

۲-۷. نهی از بدعت

در خطبه ۱۷۶ از نهج البلاغه بعد از معرفی قرآن و بیان فضائل با قرآن بودن، حضرت علی (علیه السلام) اشاره‌ای خاص به نهی از بدعت دارند به این بیان که: « ثُمَّ لَا تَمْرُقُوا مِنْهَا وَلَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَلَا تَخَالِفُوا عَنْهَا: واز آن (قرآن) به دیگر سو مروید و در آن نوآوری نکنید و با آن مخالف مشوید. همچنین در خطبه ۸۷ در وصف فاسقان اشاره به اوصاف را دارد که شخص مبتدع در بر دارنده آنهاست.

۱- فاقبتس جهائل من جهال: ترهاتی (سخنان لغو و بی‌هوده) چند از نادانان.

۲- واضاليل من ضلال: مایه‌های جهلی از گمراهان بدست آورده.

۳- ونصب للناس اشراکا من صائل غرورا وقول زور: دام‌هایی از فریب و دروغ گسترده.

۴- قد حمل الكتاب علی آرائه: کتاب خدا را به رای خویش تفسیر کند (نهج البلاغه، ترجمه محمد

دشتی، ۱۳۷۹)

همچنین در خصوصیات بدعت‌گذار مبنی بر این که چگونه می‌توانند در اهداف خود موفق شوند، حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۱۶۴ می‌فرماید: « إِنَّ شَرَّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ جَائِزٌ ضَلَّ وَضَلَّ بِهِ، فَأَمَاتَ سُنَّةً مَأخُودَةً (مَعْلُومَةً)، وَأَحْيَا بَدْعَةً مَّتْرُوكَةً: بدترین مردم نزد پروردگار پیشوای ستمگری است که هم خودش گمراه شده و هم مردم به وسیله او به گمراهی کشیده شده‌اند؛ سنت‌های نیکوی پیشین را از بین برده و بدعت‌های متروک و فراموش شده را زنده کرده است. نویسنده کتاب پیام امام در مطابقت با قرآن مجید صراحت بیان خداوند را مورد توجه قرار داده، آنجا که می‌فرماید: « لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ ضَلُّوا بِغَيْرِ عِلْمٍ إِلَّا سَاءَ مَا يَزُرُونَ (نحل / ۲۵) روز قیامت آن‌ها باید بار گناهان خود را به طور کامل بر دوش کشند و هم بخشی از گناهان کسانی به خاطر جهل گمراهشان می‌سازد، آگاه باشید آن‌ها بار سنگین بدی بر دوش می‌کشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۵۴۸)

۲-۸. خطرات بدعت در بیان علی (علیه السلام)



۱- ایجاد فتنه: حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ۵۳ در خصوص خطرات بدعت چنین بیان می‌کند: « اِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ اَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَاَحْكَامُ تُبْتَدَعُ، يَخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ؛ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها و روبه‌های نفسانی و نوآوری در حکم‌های آسمانی، نوآوری‌هایی که کتاب خدا آن را نمی‌پذیرد در این فضا است که به جای حاکمیت خداوند و انسان‌های وارسته و خداجو، فردی زمام امور را به دست می‌گیرد که هیچ‌سختی با اصول ارزش‌های الهی ندارند و تنها در پی تسلط بر دیگران بوده و این با حاکمیت دینی در تضاد است.

۲- مخلوط شدن حق و باطل: در شرح نهج البلاغه ابن میثم در اشاره به علل و اسباب بدن چنین اشاره شده: اگر باطل از آمیختگی با حق رها می‌یافت، حق طلب‌گمراه نمی‌شد. این عبارت خود به اسباب و علل اندیشه‌های فاسد اشاره دارد. مقدمات ادله‌ای که تبهکاران برای صحت ادعا و اندیشه‌های خود می‌آورند، بر پایه آمیختگی حق و باطل است. واژه (ضغث) که در این خطبه به کار رفته است، حاکی از مفهومی است که به صورت استعاره به کار رفته و مقصود از آن این است که اندیشه‌های باطل و خواسته‌های اختراعی، به دلیل آمیخته بودن حق و باطل ضرورت در تحقق می‌یابد. (شرح ابن میثم، خطبه ۵۰)

۳- از بین رفتن سنت‌های حسنه: در بیان این خطر همانطور که اشاره شد حضرت می‌فرمایند: بدعتی پایه‌گذار نشد، مگر آنکه سنتی ترک گردد. این خود نشان از خطر بدعت دارد که هدفش از بین بردن سنت الهی است.

۴- تباهی و ضلالت: نظر به فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: « كُلُّ بَدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ فِي النَّارِ: هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است» از این نکته به دست می‌آید که دین اسلام در تمام شؤون زندگی بشری دارای قانون و احکام است و روش شناخت احکام الهی را چنان که هستند و باید باشند را تعیین نموده است و تغییر دادن هر مورد از آن‌ها بدعتی است که نتیجه‌اش ضلالت است.

۵- انهدام دین: حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی فرمودند: « مَا هَدَمَ الدِّينَ مِثْلُ الْبِدْعِ، چیزی مثل بدعت‌ها دین را منهدم نمی‌کند» (کراجکی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۵۰) اگر قرار باشد هر کسی مطابق با روش خاص خود چیزی را به آیین الهی افزوده و یا از آن بکاهند، اصل دین از بین رفته و چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

۲-۹. مراحل نفوذ شیطان در انسان

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) بیان شده است که: « قَالَ اِبْلِيسُ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ جُودِهِ اِذَا اسْتَمَكْتُ مِنْ اِبْنِ آدَمَ فِي ثَلَاثٍ لَمْ اُبَالِ مَا عَمِلَ فَاِنَّهُ عَيْنٌ مَقْبُولٌ مِنْهُ: ابلیس لعنه الله می‌گوید من سه کار را انجام می‌دهم که



اگر او بعد از آن اعمال زیادی هم انجام دهند تا دلش می‌خواهد نماز بخواند و عبادت کند بلند شود به نماز شب پس قطعاً اعمالش مقبول نیست. اگر بتوانم در سه مورد انسان را فریب دهم، دیگر سایر کارهای آن‌ها برایم مهم نیست چون قبول نمی‌شود».

حال آن سه عمل چیست؟

- ۱- اذا استكثر عمله؛ او را به کثرت عمل گرفتار می‌کنم.
- ۲- ونسی ذنبه؛ کاری می‌کنم که گناهانش را فراموش کند.
- ۳- ودخله العجب؛ او را داخل در عجب می‌کنم. (خصال شیخ صدوق، ج ۱۱، ص ۱۱۲) از مقایسه بیان قرآن کریم و حدیث این مطلب به دست می‌آید که شیطان به صورت تکمیلی در مسیر زندگانی انسان قرار گرفته و وسیله آزمایش اوست. آنچه که به عنوان بعد در سر راه انسان قرار می‌دهند، حاکی از یک نکته اساسی است و آن ایجاد انحرافی است که انسان را در مسیر سنت الهی دور ساخته و او را در طریق ضلالت قرار دهد قرآن کریم به جهت تذکر تنبیه انسان ابتدا ایمان را به انسان معرفی می‌کند و سپس او را از قرار گرفتن در مسیر راه‌ها و خطوط ترسیم شده توسط شیطان نهی می‌کند. این موضوع اساسی را در سوره مبارکه بقره می‌توان نظاره کرد: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ » (بقره / ۲۰۸)؛ ای کسانی ایمان آوردید همگی در صلح و آشتی در آید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید قطعاً او دشمن آشکار شما است.» علامه طباطبایی با توجه به هدف آیه در دور ماندن از آفاتی که شیطان و پیروی از خطوط او انسان را تهدید می‌کند، چنین بیان می‌کند معنای (سلم) که بدان امر و مراد از گام‌های شیطان که از آن‌ها زنجار داده شده است و نیز از آنجایی که خطاب به خصوص مومنین شده، آن سلمی هم به که بسویب دعوت کرده به معنای تسلیم در برابر خدا و رسول شدن است، امری است متعلق به مجموع است. پس بر مومنین واجب است امر را تسلیم خدا کنند و برای خود صلاح‌دید و استبداد قائل نباشند و به غیر از آن طریقی که خدا و رسولش ﷺ و یا نکرده‌اند، طریقه دیگر اتخاذ نمایند که هیچ قومی هلاک نشد، مگر به خاطر همین که راه خدا را رها کرد و راه هوای نفس را پیمودند راهی که هیچ دلیلی از ناحیه خدا بر آن نداشتند و نیز حق حیات و سعادت جدی حقیقی از هیچ قومی گرفته نشد، مگر به خاطر اینکه در اثر پیروی هوای نفس ایجاد اختلاف کردند. به خوبی از اینجا روشن می‌گردد که مراد از خطوات شیطان در تمامی دعوت‌های او باطل نیست، بلکه منظور پیروی او در دعوت‌هایی است که به عنوان دین می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۵۲) از بیان علامه طباطبایی به خوبی استفاده می‌شود که هدف قرآن در تذکر جدی به

مسلمانان این است که از بدعت‌های شیطان در امان مانده و از خطوات شیطان که تنها گام انحرافی اوست فاصله بگیرند.

امیرمؤمنان (علیه السلام) در قسمتی از حکمت ۱۲۳ دور ماندن از بدعت را یکی از نشانه‌های شخص با ایمان دانسته و می‌فرماید: خوشا به حال آن کس که سنت برای او کافی است و بدعتی از او سر نمی‌زند (... وَ سَعَتَهُ السُّنَّةُ، وَلَمْ يَنْسَبْ إِلَى الْبِدْعَةِ) در واقع باید گفت که کسی که در طریق شرع به سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) قناعت نموده و آن را برای دنیا و آخرت خود کافی می‌داند، به هیچ وجه به سراغ بدعت نمی‌نرود؛ چرا که بدعت از آن کسانی است که سنت‌ها را کافی ندانسته و برآورده شدن خواسته‌های خود را در ایجاد بدعت‌ها می‌بیند. (موسسه تحقیقات اهل بیت و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۹۸)

نتیجه:

این مقاله پس از بحث و بررسی قرآن کریم و نهج البلاغه در زمینه بدعت‌های شیطانی به نتایج زیر دست یافته است:

- ۱- دوری از اهداف شیطان همواره مورد تاکید قرآن و نهج البلاغه است.
- ۲- هر بدعتی ضلالت است و انسان را از سنت پیامبر الهی (صلی الله علیه و آله) دور می‌سازد.
- ۳- حضور و نفوذ شیطان با توجه به قَسَمی که در زمینه اغوای انسان یاد کرد، در ایجاد بدعت‌ها اصلی‌ترین عنصر محسوب می‌شود.

۴- هر جا که بدعت ظهور کرده است، در مقابل آن احکام اصیل متروک گشته است.

منابع :

- قرآن کریم، ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای.
- نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، ترجمه: محمد دشتی.
۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند ابن حنبل*، جلد ۳، بی نا.
۲. ابن منظور محمد بن، ۱۴۱۹ق، *لسان العرب*، بیروت: ناشر دارالاحیاء التراث.
۳. بحرانی، علی بن میثم، ۱۳۷۵ش، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه قربانعلی محمدی، مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، جلد ۳، بی نا.
۵. حرعاملی محمد بن الحسن، ۱۳۶۷ش، *وسائل الشیعه*، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
۶. دهقان، اکبر، ۱۳۷۹ش، *هزار و یک نکته از قرآن کریم*، تهران: ناشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۷. سنن ترمذی، *کتاب حج با احکام تمتع*، جلد ۲.
۸. طباطبایی محمد حسین، ۱۳۶۰ش، *تفسیر المیزان*، ج ۲، قم: موسسه دارالعلم.
۹. طباطبایی محمد حسین، ۱۳۶۰ش، *تفسیر المیزان*، ج ۵، قم: موسسه دارالعلم.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۶۰ش، *تفسیر المیزان*، ج ۸، قم: موسسه دارالعلم.
۱۱. طریحی، فخرالدین، ۱۳۸۷ش، *مجمع البحرين*، تهران: نشر مرتضوی.
۱۲. عبد الباقي محمد فؤاد، ۱۹۸۲ق، *مسند*، استانبول، ج ۴.
۱۳. فخر رازی، فخرالدین، ۱۳۶۰ش، *تفسیر کبیر*، ترجمه علی اصغر حلبی، بیروت: انتشارات دارالفکر.
۱۴. قمی، احمد، (بی تا). *تفسیر کنز الدقائق*، ج ۵، بی جا.
۱۵. کراچکی، محمد علی، ۱۳۹۸ش، *کنز القوائد*، ج ۱، قم: نشر الذخائر.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵ش، *اصول کافی*، ترجمه صادق حسین‌زاده، ج ۱ و ۴، تهران: نشر قائم آل محمد (علیهم السلام).
۱۷. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳ش، *مرآة العقول*، جلد ۲، تهران: ناشر دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. معادخواه، عبد المجید، ۱۳۹۶ش، *سنت و بدعت*.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۴ش، *نرم‌افزار تفسیر نمونه*.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰ش، *پیام امام (علیه السلام)*، ج ۱، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰ش، *پیام نهج البلاغه*، قم: انتشارات امام علی (علیه السلام).

۲۲. همدانی، سیدمحمد. ۱۳۸۰ش، *تفسیر انوار درخشان*، ج ۴، تهران: انتشارات لطفی.

مقالات

۲۳. البیاتی جعفر، ۱۳۹۰ش، بدعت معیارها و پیامدها، *بایگاه تخصصی وهابیت پژوهی و جریان های سلفی*.

۲۴. *مجله طلعه کوثر*، ۱۳۸۷ش، شیطان شناسی.

۲۵. موسسه تحقیقات اهل بیت و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۸ش

بررسی تطبیقی زمینه های بدعت؛ از نگاه قرآن و عهدین و راهکارهای
بیرون رفت از آن بر اساس قرآن و نهج البلاغه

